

بررسی نقش ضابطین در احقاق حقوق عمومی و شهروندی

رضا فرمانی جامع^۱

چکیده

ضابطین قضایی بعنوان بازوی اجرایی نظام قضایی نقش مهم و قابل توجه در دستیابی به عدالت کیفری و نزدیک شدن هرچه بیشتر به نظام کیفری مطلوب و کارآمد دارند. برمبنای همین واقعیت است که سیستم‌های کیفری مختلف تلاش‌های گسترده‌ای جهت نظام‌مندی و کنترل قانونی توأم با اقتدار آئین دادرسی کیفری و سایر قوانین به تعیین جایگاه مصادیق و حدود اختیارات ضابطین دادگستری پرداخته است. طبق ماده ۲۸ قانون آئین دادرسی کیفری مصوبه ۱۳۹۲ ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات دادستان در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب این قانون اقدام می‌کنند. هدف در این تحقیق این است که بتوان وظایف و اختیارات قانونی که در ایران برای ضابطین قضایی بخصوص ضابطین دادگستری در نظر گرفته شده است بطور کامل بیان نماید و همچنین تاثیر فعالیت‌های ضابطین در حفظ حقوق عمومی و شهروندی متهمان را بیان داشته و یک منبعی در این خصوص فراهم آورد تا خوانندگان با خواندن آن با مفاهیم اولیه و حقوق متهمان نزد ضابطین قضایی آشنا گردند.

واژگان کلیدی: ضابطین قضایی، حقوق شهروندی، حقوق عمومی، حقوق متهم

مقدمه

شهروند، مفهومی حقوقی است که در مباحث حوزه‌های حقوق عمومی و حقوق بشر مطرح می‌شود. وجه مشترک تعاریف حقوقی درباره شهروند، رابطه‌ای است که بین فرد و حکومت وجود دارد. شهروند در مقابل حقوقی که در برابر دولت دارد، همزمان تکالیفی نیز برعهده دارد که موظف به انجام آنهاست. حقوق شهروندی بعنوان یکی از مهمترین پیش‌نیازهای انضباط جمعی، دارای گستره فراوانی در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است. لیکن از آنجائیکه برخلاف برخی کشورهایی که فاقد ثروت‌ها و مواهبی از قبیل نفت و گاز هستند و به همین جهت برخورد دولتمردان با مردم اوصاف دیگری دارد، در کشور ما این مردم هستند که همواره در اخذ خدمات باید دست آنان بسوی دولتیان دراز باشد تا بتوانند سهم بیشتری از درآمدهای ملی را نصیب خود نمایند. و در همین جاست که رفتار از بالا به پایین و بعضاً حقارت‌گونه، این رویکرد را تلقین نموده که هر جا سخن از حقوق مزبور به میان آید، مراد تعدیل چنین روابطی است. در عین حال نباید فراموش شود که دایره حقوق شهروندی شامل مجموعه حقوق و تکالیفی است که سه ضلع در هم تنیده، یعنی رابطه بین دولت با مردم به مفهومی فراتر از تابعیت، مردم با دولت و نیز مردم با مردم را در بر می‌گیرد. و طرفین هر سه ضلع را ملتزم به لحاظ کردن دو اصل حفظ حقوق خود و عدم تجاوز به حقوق دیگران می‌کند، تا زمینه رشد شخصیت فردی و اجتماعی آحاد جامعه فراهم و به شکوفایی ظرفیت‌های ملی منجر شود (رحمدل، ۱۳۸۴: ۷۰-۶۸).

براساس ماده ۳ قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب کشف جرم از وظایف و اختیارات دادسرا است. بر این اساس ضابطین دادگستری اگرچه به موجب حکم مقرر در صدر ماده ۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری دادگاه‌های عمومی و انقلاب مجاز به اقدام در راستای کشف جرم هستند اما این اقدام باید تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی و به نیابت از سوی او انجام شود. و خودشان رأساً حق چنین اقدامی را ندارند. در نتیجه اقدام ضابطین دادگستری (پلیس) به بازرسی خودروهای افراد، بازرسی اشخاص و منازل و اشیاء و اموال و اماکن برای کشف جرم بدون دستور مقام قضایی مشخص فاقد و جاهت قانونی است و در صورت اقدام موجب نقض حقوق عمومی شهروندان خواهد بود.

در واقع کشف جرم شامل اقداماتی است که پس از اطلاع از تحقق آن برای حفظ آثار جرم و جلوگیری از محو اثرات ادله آن و نیز جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم صورت می‌پذیرد. اولین مرحله از مراحل پنج‌گانه دادرسی است و از آنجا که کشف جرم با نظارت دادستان برعهده ضابطین قضایی است حقوق متهم بیش از هر مرحله دیگر در معرض تعرض قرار می‌گیرد و از طرف دیگر برای اینکه بتوان مرحله کشف جرم را با موفقیت به پایان رساند باید حقوق شاکی، ادله جرم و همچنین حفظ و حمایت از شهود و اسناد و مدارک جمع‌آوری شده مورد توجه خاص ضابطین قرار گیرد.

نقش ضابطین در حفظ حقوق عمومی و شهروندی در مرحله کشف جرم و دستگیری متهم

یکی از مواردی که ممکن است در مرحله کشف جرم موجب عدم توجه به شاکی برای عدم اثبات ادعا و یا اجحاف در حق متهم برای اثبات اتهاماتی که به وی انتساب داده شده در خارج از قوانین و مقررات صورت پذیرد؛ نقض حقوق شهروندی است که در ادامه به بیان حقوق شاکی، شهود، متهم، حفظ صحنه جرم می‌پردازیم و مصادیق حقوق شهروندی برای آنها و موارد نقض آن را بررسی می‌کنیم.

۱- کشف جرم و حفظ حقوق عمومی متهم

به صراحت ماده ۱۵ قانون آ.د.د.ع مصوب ۷۸ کشف جرم از هر درجه‌ای باشد به عهده ضابطین دادگستری است و این وظیفه در بند ۸ ماده ۴ قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب ۶۹ نیز برای پلیس پیش‌بینی شده است.

الف) جرائم مشهود: در همه جرائم مشهود ضابطان دادگستری با استناد به ماده ۱۸ و ۲۴ ق.آ.د.د.ع و انقلاب این حق را دارند و بلکه مکلف هستند که همه اقدامات لازم را برای کاهش خسارت وارده و یا جلوگیری از ادامه وقوع جرم یا جمع‌آوری اسباب و آلات جرم و جلوگیری از فرار متهم و از بین رفتن دلائل جرم انجام و در صورت نیاز متهم را جلب و تا ۲۴ ساعت بازداشت نمایند و یا افراد حاضر در صحنه جرم را احضار و از آنان تحقیق نمایند. در جرم مشهود ضابطان حق ورود به منزل و تفتیش و بازرسی از افراد، اشیاء و اموال آنها را نیز دارا می‌باشند. پلیس در جرائم مشهود در اولین فرصت باید موضوع را به مرجع قضایی اعلام و کسب تکلیف نماید چنانچه پلیس این فرصت را داشته که در اولین فرصت موضوع را به مرجع قضایی اعلام ولی این اقدام را انجام نداده باشد به نظر نمی‌توان اقدامات آنها را قانونی دانست زیرا در صدر و ذیل ماده ۱۸ ق.آ.د.د.ع و انقلاب قانونگذار با ذکر کلمه (بلافاصله) هدفش جلوگیری از اعمال سلیقه شخصی و اقدامات خود سرانه پلیس در جرم مشهود بوده است (شجاع شفیع، ۱۳۷۹: ۶۹).

ب) جرائم غیر مشهود: در جرائم غیر مشهود اختیارات ضابطین خیلی محدودتر از جرائم مشهود است. به موجب ماده ۲۴ ق.آ.د.ع و انقلاب در جرائم غیر مشهود ضابطین به محض اطلاع از وقوع جرم باید مراتب را به مرجع قضایی اعلام و پس از آن باتوجه به ماده ۲۵ همان قانون اگر مأموریت جدیدی از سوی مقام قضایی به آنها ارجاع گردید اقدام نمایند در غیر اینصورت حق هیچگونه تحقیق یا بررسی در جرائم غیر مشهود ندارند (هدایتی، ۱۳۴۲: ۹۲).

ج) در جرم مشکوک: باتوجه به ماده ۲۲ ق.آ.د.ع و انقلاب مصوب ۷۸ «هرگاه علانم و امارات جرم مشکوک بوده و یا اطلاعات ضابطین دادگستری از منابع موثق نباشد قبل از اطلاع به مقامات قضایی تحقیقات لازم را بدون اینکه حق دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند به عمل آورده و نتیجه را به مقامات یاد

شده اطلاع دهند.» باتوجه به این ماده ضابطین از وقوع جرم اطمینان کامل ندارند. تحقیقاتی که در این ماده برای ضابطین در نظر گرفته شده تحقیقات به دو صورت است:

الف) تحقیقات غیر محسوس که ضابط می‌تواند به صورت مخفیانه نسبت به وقوع جرم اطلاع پیدا کند.
ب) می‌تواند از گزارش دهنده یا شاکی تحقیقات بیشتری را انجام تا نسبت به صحت و سقم جرم مذکور مطلع شود.

این ماده نمی‌تواند مجوز احضار متهم یا تحقیقات پیرامون وی باشد. مظنون باتوجه به این ماده قابل احضار نیست و همچنین شهود را نمی‌توان احضار یا مورد تحقیق و تفحص قرارداد ولی از شاکی می‌توان تحقیق به عمل آورد. زیرا که شرایط احضار و تحقیق از شهود جرم و شهود تحقیق در قانون و آئین دادرسی مشخص و احصاء شده است. در بعضی موارد مشابه پلیس اقدام به احضار متهم با شهود در قالب دعوت‌نامه نموده و پس از حضور افراد مذکور در پاسگاه یا کلانتری اقدام به تحقیق از آنان می‌نماید که این اقدام خلاف قانون و مقررات است زیرا در قانون آ.د.د.ع و انقلاب در ماده ۱۱۲ احضار متهم را فقط از طریق احضارنامه مجاز دانسته و در ماده ۱۲۴ همان قانون بیان شده باید دلیل کافی برای احضار متهم وجود داشته باشد و همچنین نحوه احضار شهود نیز در ماده ۱۴۹ و ۱۵۰ همان قانون بیان شده لذا هرگونه احضار شهود یا متهم در جرائم غیر شهود یا جرائم مشکوک توسط ضابطین تحت هر عنوانی ممنوع است (ترابی، ۱۳۷۲: ۸۰).

۶۴

۲- نقش ضابطان در مرحله کشف جرم

کشف جرم و پیشگیری از ارتکاب جرم عمدتاً توسط پلیس و مأموران انتظامی در مقام ضابط دادگستری صورت می‌گیرد. وظیفه پلیس بعنوان ضابط دادگستری از زمان کشف جرم شروع می‌شود و پیش از شروع به تعقیب، پلیس بعنوان ضابط مسئول تحقیق و تحصیل دلایل درخصوص جرم مذکور می‌باشد. پلیس پس از انجام تحقیقات در صورتی که دلایل را کافی برای تفهیم اتهام و تعقیب فرد بیابد به مظنون تفهیم اتهام کرده و پرونده را به اداره دادستانی (رئیس ضابطین قضائی) جهت تعقیب فرد خاطی ارسال می‌دارد. لذا، پلیس بعنوان یک ضابط در مرحله کشف جرم وظیفه جمع‌آوری دلایل و مدارک را برعهده دارد (مهاجری، ۱۳۸۱: ۱۱۲). در مرحله کشف جرم یک سری مسائل از نظر حقوقی باید توسط ضابطین رعایت شوند که عبارتند از:

- ۱- تدبیر نیروی انتظامی و قوه قضائیه بگونه‌ای باشد تا آنجا که ممکن است از رویارویی متهم با شاکی جلوگیری شود و در صورت رویارویی از آسیب‌های احتمالی به شاکی جلوگیری کرد.
- ۲- از فاش شدن اطلاعات شخصی شاکی اعم از آدرس و تلفن ... جلوگیری شود و تلاش شود تهدیدات و اقدامات تلافی‌جویانه متهم علیه شاکی با ضمانت اجراهای کیفری به پائین‌ترین سطوح برسد.

۳- تدابیر لازم از سوی ضابطین به منظور جلوگیری از بروز ایراد خسارت یا صدمه به شاکی در قبل از جلسه دادگاه و حین تحقیقات و پس از اجرای حکم به عمل آید.

۴- در صورت نیاز شاکی تا زمان صدور حکم تحت مراقبت و حفاظت ضابطین قرار گیرد.

۳- حقوق عمومی مظنون در اقدامات پلیس بعنوان ضابط قضائی

مظنون به معنای لغوی یعنی گمان کرده شده یا کسی که مورد بدگمانی قرار گرفته، نامعلوم، نامحقق یعنی کسی که اتهام وی به اثبات نرسیده لذا باید دلیل و مدارک کافی برای احضار وی وجود داشته باشد. در قانون اکثراً برای حمایت از متهم قوانینی وجود دارد ولی برای حمایت از مظنون مقررات خاصی وجود ندارد مظنون اصولاً در مرحله کشف جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد. پس باید ابتدا کشف جرم را بررسی و سپس موقعیت مظنون را در این مرحله تبیین کرد.

کشف جرم اولین و مهمترین مرحله فرآیند پنج مرحله‌ای دادرسی کیفری است. تا جرمی کشف نشود چرخه دادرسی کیفری به حرکت در نخواهد آمد و مجرم مجازات نخواهد شد. عدم کشف جرم و در نتیجه عدم مجازات مرتکب بر تخریب او و دیگران می‌افزاید که این امر افزایش چشمگیر تعداد جرائم و نارضایتی جامعه از عملکرد دستگاه‌های حکومتی را در پی خواهد داشت (موسوی مقدم، ۱۳۸۵: ۷۵).

۶۵

باید در تحقیقات لازم موضوع ماده ۲۲ ق.آ.د.ک به شرایط قانونی احضار متهم، شهود و بازرسی منازل اماکن اشیاء اموال و حتی تفتیش عقاید و حفظ حریم خصوصی افراد توجه شود. وقتی که در جرائم غیر مشهود برابر ماده ۲۴ ق.آ.د.ک بدون مجوز قضایی هیچگونه اقدامی از سوی ضابطین متصور نبوده ذکر کلمه تحقیقات لازم در ماده ۲۲ همان قانون در جرم مشکوک نمی‌تواند مجوز هرگونه اقدام سلیقه‌ای برای پلیس باشد. پس مظنونین موضوع ماده همان قانون ۲۲ نیز تابع شرایط مظنون جرائم مشهود و غیر مشهود هستند. لذا تا جرمی کشف نشود نمی‌توان به دنبال مجرم آن گشت و اگر جرمی واقع شد و فردی بعنوان مظنون تحت تعقیب قرار گرفت باید دلائل و مدارک و مستندات لازم برای احضار وی وجود داشته باشد و همه حقوق دفاعی که برای متهم وجود دارد برای مظنون بطور وسیع‌تر وجود دارد. زیرا هنوز روشن نیست که آیا محاکمه‌ای خواهد بود یا خیر. با این حال مسلم است که اشخاص تحت بازجویی باید از همه حقوق مسلم برای متهمان که می‌تواند در خصوص موقعیت آنان قابل اجرا باشد برخوردار شوند. دو دلیل عمده برای حمایت از این تفسیر وجود دارد: نخست: غیرمنطقی به نظر می‌رسد که این حقوق را برای کسی که هنوز هیچگونه اتهامی علیه وی صورت نگرفته است شناسایی نکنیم حال آنکه چنانچه وی در جایگاه متهم قرار گیرد این حقوق برای او به رسمیت شناخته می‌شود. دوم: وضعیت مظنون راه را برای متهم شدن هموار می‌نماید. در نتیجه منطقی است بگوییم که اگر به فردی هنگامی که متهم است حقی داده شود نقض غرض خواهد بود اجازه دهیم

چنین حقوقی نقض شود. قبل از اینکه وی تحت حمایت قاعده خاصی قرار گیرد. این مسأله می‌تواند مسیر حمایت بعدی را هموار کند (سالواتور، ۱۳۸۷: ۶۵).

۴- حقوق عمومی متهم در مرحله کشف جرم

طبق ماده ۱۵ ق.آ.د.ک ۱۳۷۸ ضابطین دادگستری وظیفه کشف جرم و جلوگیری از فرار متهم را برعهده دارند پس از آنکه جرمی کشف شد و متهم آن جرم شناسایی گردید یا دلائل و مدارک و مستندات کافی برای انتساب جرم به فرد خاصی وجود داشت در جرائم مشهود ضابطین رأساً اقدامات لازم را برای حفظ اسباب و آلات جرم و دستگیری متهم انجام می‌دهند چنانچه جرم غیر مشهود باشد مراتب به مقام قضایی اعلام و برابر دستور مقام قضایی اقدام می‌شود. ولی آنچه که مهم است تعقیب متهم در مرحله کشف جرم نیز تابع حقوق شهروندی متهمان در مراحل دادرسی است. یعنی فرض بی‌گناهی یا اصل برائت در این مرحله حاکم است و احضار و تعقیب به موجب قانون انجام می‌شود. مهمترین اقدام پلیس در مرحله کشف جرم شناسایی متهم است که برای شناخت متهم پلیس باید قواعد حقوق شهروندی را رعایت کند. لذا در این مبحث به اجمال حقوق شهروندان در مراحل جمع‌آوری ادله، ضرورت احضار و جلب و حفظ حریم خصوصی متهمین و حفظ صحنه جرم مورد بررسی قرار می‌گیرد (میرزایی، ۱۳۸۴: ۳۹).

الف) بیطرفی پلیس در جمع‌آوری ادله در راستای حفظ حقوق عمومی متهم

بیطرفی در جمع‌آوری ادله یعنی آنکه پلیس در مقام کشف جرم باید آنچه از دلائل له و علیه متهم است را جمع‌آوری کند و به عبارت دیگر به هیچ وجه نباید بین اوضاع و احوال که به نفع یا ضرر متهم است فرق بگذارد و این از مهمترین ارکان تضمین حقوق متهم است در ماده ۳۹ ق.آ.د.د.ع انقلاب در امور کیفری به بیطرفی در تحقیقات اشاره و بیان داشته در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است بیطرفی کامل را رعایت نمایند (مؤذن‌زادگان (الف)، بی‌تا: ۵۸۳).

ب) حفظ آثار، علائم و دلایل جرم توسط ضابطین در راستای حفظ حقوق عمومی متهم

پلیس اولین مأمور قانونی و مأمور تحقیق پرونده و یا بنایی است که شالوده اصلی یک پرونده کیفری را برپا می‌کند. چون پلیس در این مرحله بعنوان اولین شاهد و ناظر عینی بر صحنه جرم است مشاهدات وی نقش مهمی در اثبات یا عدم اثبات جرم دارد. در این مرحله از فرآیند دادرسی پلیس به جمع‌آوری دلایل و مدارک جرم می‌پردازد و اینکه چه مدارکی از نظر پلیس می‌تواند در اثبات جرم موثر باشد به تخصص، تجربه و هنر و هوش و ذکاوت پلیس بستگی دارد.

ج) حقوق عمومی متهم در احضار وی توسط ضابطین قضایی

ماده ۱۲۴ ق.آ.د.د.ع و انقلاب در امور کیفری بیان داشته: «قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند مگر اینکه

دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد». پلیس قبل از احضار متهم باید دلایل را جمع‌آوری کند و آنها را پس از ارزیابی در صورت وجود دلایل کافی و لزوم تحقیق از متهم مراتب را به مرجع قضایی اعلام و تقاضای احضار متهم را نماید. یعنی قبل از احضار پلیس در تحقیقات ابتدایی خود ادله وقوع جرم را بررسی کرده و انتساب آن به متهم را محرز دانسته است. وقتی پلیس تقاضای احضار متهم را به قاضی می‌دهد باید از این احضار هدف مشخص و نتیجه مشخص بگیرد. یعنی از قبل با کنار هم قرار دادن ادله‌های جرم و فرد متهم فرضیه‌های لازم را برای خود بوجود آورده و حال در احضار متهم می‌تواند یک چینش سوالات و رفتار و حرکات فنی پیرامون فرضیه‌های ساخته شده بررسی نماید. پس احضار متهم باید بتواند در اثبات یا عدم اثبات فرضیه‌ها موثر باشد در غیر این صورت صرف حضور فردی به اتهام ارتکاب جرم و عدم استفاده صحیح از این احضار فقط اطلاعات پرونده افشا شده است. بنابراین حقوق شهروندی متهم ایجاب می‌کند در اجرای اصل براءت و فرض بی‌گناهی تا زمانی که دلایل لازم و کافی برای احضار وجود نداشته باشد از احضار متهم خودداری گردد. البته شرایط احضار در جرم مشهود و غیر مشهود متفاوت است (احمدی، ۱۳۸۷: ۱۰).

د) ضرورت جلب متهم و حفظ حقوق شهروندی توسط ضابطین دادگستری

جلب در لغت به معنای گناه نکردن، کشاندن از جایی به جایی دیگر و در اصطلاح حقوق کیفری هرگاه متهم با وصف ابلاغ احضارنامه و استحضار از موضوع اتهامی در دادگاه حضور نیابد و عدم حضور خود را مستند به ۶۷ یکی از معاذیر قانونی اعلام ننماید و یا مرتکب جرایم مندرج در ماده ۱۱۸ قانون آ.د.د.ع انقلاب در امور کیفری شود به موجب ماده ۱۱۲ و ۱۱۷ همان قانون حکم جلب وی صادر و در اختیار ضابطین دادگستری قرار می‌گیرد تا مأمور جلب پس از ابلاغ برگ جلب متهم را دعوت نموده تا در معیت وی نزد قاضی حضور یابد (قاسم‌پور، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

بیشترین موارد نقض حقوق شهروندی در جلب سیار متصور است. زیرا در این نوع جلب حریم خصوصی متهم در هر مکان و محلی مورد تعرض قرار می‌گیرد. اعطای صدور حکم جلب سیار و تسلیم آن به شاکی خصوصی نه تنها نقض آشکار حقوق متهم است بلکه در برخی موارد تا زمانی که در دادگاه حضور می‌یابد و از خود دفاع می‌کند و ممکن است به براءت و منجر شود شخصیت و موقعیت اجتماعی وی که به تعبیر قانون «اگر مصلحت ایجاب نماید» قربانی مصلحت می‌گردد (همان، ۱۳۵).

باتوجه به مواد قانونی بیان شده در خصوص جلب متهم مقام قضایی و ضابطان دادگستری باید با تعامل مناسب با یکدیگر در جهت حقوق شهروندی متهم گام بردارند. بنحویکه مقام قضایی:

- ۱- با وجود دلایل کافی و عدم حضور متهم و با رعایت مواد قانونی مرتبط دستور جلب متهم را صادر نماید؛
- ۲- برگ جلب با امضای شخص قاضی باشد نه مدیردفتر؛

- ۳- ضرورت جلب در شب صراحتاً بیان شود؛
- ۴- بعد از جلب تحقیقات مقدماتی ظرف ۲۴ ساعت شروع شود؛
- ۵- تمامی حقوق شهروندی متهم در زمان دستگیری رعایت شود؛
- ۶- شأن و منزلت متهم جلب شده مورد توجه قرار گیرد؛
- ۷- حریم خصوصی متهم جلب شده حفظ شود؛
- ۸- دستور جلب به متهم ابلاغ شود و کرامت انسانی متهم مورد توجه قرار گیرد؛
- ۹- چنانچه حکم جلب برای ورود به مخفی‌گاه متهم است اگر متهم در محلی غیر از ملک شخصی خود مخفی شده باید حریم خصوصی ملک مذکور رعایت و مجوز ورود قضایی لازم برای ورود به آن ملک اخذ شود زیرا حکم جلب مذکور نمی‌تواند مجوز به ملک غیر باشد و چنانچه با حکم جلب سیار و ورود به مخفی‌گاه متهم پلیس وارد ملک فردی شود که متهم در آن مخفی شده این اقدام مغایر با اصل قانون اساسی و آئین دادرسی کیفری و ورود غیر قانونی محسوب می‌شود (همان، ۱۳۷).
- هـ) حفظ حریم خصوصی متهم در مرحله کشف جرم**
- حریم خصوصی عبارت است از هر آنچه که در قلمرو یک شخص قرار دارد و یا مختص به وی می‌باشد. و ورود و تعرض به آن ممنوع است مگر با اجازه شخص یا در موارد استثنایی با تجویز قانون (همان، ۱۳۸). با توجه به این مقدمه آنچه از حریم خصوصی متهم که در مرحله کشف جرم ممکن است مورد تعرض پلیس قرار گیرد بدین شرح است. در جرم مشهود پلیس با توجه به دلایل و مدارکی که در اختیار دارد می‌تواند متهم را به استناد به ماده ۲۴ ق.آ.د.ک دستگیر و چنانچه ضرورت تکمیل تحقیقات یا بیم فرار و تبانی متهم را تشخیص دهد به استناد همان ماده تا ۲۴ ساعت در بازداشت نگه دارد و در اولین فرصت مراتب را به مرجع قضایی اعلام نماید. ولی در جرائم غیر مشهود این حق برای پلیس ایجاد نشده است. در جرائم غیر مشهود باید دلایل و مدارک کافی برای احضار و یا دستگیری وجود داشته باشد و ضرورت دستگیری و بازداشت را در جرم غیر مشهود قاضی تشخیص می‌دهد. در هر صورت چه در جرائم مشهود و چه در جرائم غیر مشهود ضرورت دستگیری و بازداشت متهم باید احراز شود چنانچه بدون ضرورت و دلیل کافی متهم بازداشت شود این اقدام نقض حقوق شهروندی و بازداشت غیر قانونی محسوب می‌شود (احمدی، پیشین: ۸۷).

حقوق عمومی متهم نزد ضابطین در مرحله تحقیقات مقدماتی و بعد آن

در این بخش ابتدا در خصوص مفهوم تحقیقات مقدماتی در خصوص اتهام وارده به متهم بحث می‌شود و سپس انواع حقوقی که ضابطین در مرحله تحقیقات در خصوص متهم رعایت کنند آورده شده است.

۱- حقوق عمومی متهم در شروع تحقیقات ضابطین

همه اقداماتی که مقامات دادسرا در جهت جمع‌آوری ادله و جلوگیری از امحاء آثار و ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم انجام می‌دهند در جرائم مشهود رأساً و در جرائم غیر مشهود به دستور مقام قضایی برای پلیس متصور است. که اهم این اقدامات شامل تعیین هویت، اعلام مواظبت در اظهارات، اعلام حق سکوت، حق داشتن مشاور و انتخاب وکیل می‌باشد.

۲- محدودیت تحت‌نظر قراردادن متهم از سوی ضابطان در مرحله تحقیقات در راستای حفظ

حقوق عمومی متهمین

باتوجه به اینکه در مدت تحت‌نظر، همانند وضعیت بازداشت موقت، آزادی فرد سلب می‌شود، برپایه اصل آزادی اشخاص، لازم است مدتی بعنوان نگهداری تحت‌نظر تعیین شود. ماده ۲۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری ۱۳۷۸ بازداشت متهم را به مدت ۲۴ ساعت، یک حق برای ضابطان دانسته است. با وجود این، موضوع در نظام کنونی نهادینه نشده (آشوری، ۱۳۹۲: ۸۱)، و متهم فاقد حقوق دفاعی در این مرحله است قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در راستای ترافعی کردن تحقیقات مقدماتی و رعایت حقوق دفاعی متهم در مرحله تحت‌نظر، نوآوری‌هایی را پیش‌بینی کرده است. بی- بی- ۶۹ تردید، این مقررات به منظور جلوگیری از هرگونه اقدام محدود کننده سلب آزادی بدون نظارت مقام قضایی و نیز پرهیز از اعمال سلیقه شخصی و سوءاستفاده از قدرت یا اعمال هرگونه خشونت نسبت به مظنون و متهم تصویب شده است. در همین چارچوب است که ماده ۴۹ این قانون، ضابطان را به اعلام مشخصات سجلی، شغلی، نشانی و علت تحت‌نظر قرار گرفتن متهم به هر شکل ممکن به دادسرای محل ملزم کرده است. دادستان هر شهرستان نیز به نوبه خود با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، نظارت لازم را برای رعایت حقوق این افراد اعمال می‌کند و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رئیس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان شکل ثبت شود.

افزون بر این، اقدام‌های ضابطان باعث می‌شود که والدین، همسر، فرزندان، خواهر و برادر شخص تحت‌نظر بتوانند از طریق مراجع مزبور از تحت‌نظر بودن این شخص آگاهی یابند. برپایه ماده ۵۲ این قانون، «ضابطان دادگستری مکلف‌اند اظهارات شخص تحت‌نظر، علت تحت‌نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده است در صورت‌مجلس قید کنند و آن را به امضا یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلف‌اند تاریخ و آغاز و پایان تحت‌نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند. به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف ضابطان و در راستای جلوگیری از نقض حقوق شهروندی افراد تحت‌نظر و همچنین نقض

موازن حقوق اسلامی و انسانی (کرامت ذاتی انسانی) بر بازرسی واحدهای مربوط، حداقل هر دو ماه یکبار تأکید کرده است. برخی از حقوق اساسی دیگری که برای متهم در این مرحله پیش‌بینی شده عبارتند از آگاه کردن افراد خانواده یا آشنایان از تحت نظر بودن خود با تلفن یا هر وسیله دیگر.

۳- حقوق عمومی متهم در بازجویی مقدماتی پلیس

حقوق کیفری مدرن فرض بی‌گناهی متهمان را تا زمان صدور حکم قطعی آنان از سوی دادگاه صالح بعنوان یکی از اصول اساسی و غیر قابل انفکاک از پیکره خویش، لااقل در عرصه نظری و تئوری پذیرفته و جای هیچگونه بحث و گفتگویی را در این خصوص باز نگذاشته است. مهم پذیرش بی‌قید و شرط این فرض از سوی کارگزاران و کنشگران نظام عدالت کیفری از جمله پلیس در مقام عمل و در برخورد با متهمان واقعی است. ایجاد هرگونه مزاحمت و محدودیتی در حقوق و آزادی‌های متهم ناقض فرض یاد شده و در نتیجه موجب ظهور بی‌عدالتی در فرمان‌های دادرسی کیفری است. به دلیل بستگی فراوان به فرض بی‌گناهی است که بسیاری از حقوقدانان حتی تعیین بازداشت متهمان را ناعادلانه و نتیجه عدم التزام قوه قانونگذاری و قضایی به این فرض می‌دانند و حتی دستگاه دروغ‌سنج نیز به دلیل نداشتن ارزش مطلق علمی و لطمه به شخصیت انسانی و صدمه به حق دفاع متهم با ایراد روبرو از سوی دیگر مخالف با اصل شناخته می‌شود (فرم‌هیتی فراهانی، ۱۳۸۸: ۱۵). زیرا «به جای اینکه دادستان درصدد اثبات خلاف فرض بی‌گناهی متهم برآید متهم به اثبات بی‌گناهی خویش ملزم می‌شود» (گلدوزیان، ۱۳۷۵: ۹۹).

الف) ضرورت تفهیم اتهام توسط ضابطین در بازجویی

تفهیم اتهام از آن جهت ضروری است که از یک‌سو امکان رد اتهام یا اتهام‌های منتسب را برای متهم فراهم می‌سازد و تضمینات ناظر به حقوق دفاعی جنبه عملی به خود گرفته و آغاز می‌شود و از سوی دیگر مقام قضایی را مجاز می‌کند که به اقدام‌هایی ضروری از جمله اصدار قرارهای تأمین متوسل شود. بدین ترتیب می‌توان گفت تفهیم اتهام عبارت است از اعلام رسمی عمل یا اعمال مجرمانه به متهم از سوی قاضی به زبان و به شیوه‌ای که باتوجه به وضعیت خاص هر متهم برای او قابل درک باشد. با تفهیم اتهام مشتکی‌عنه تبدیل به متهم شده و استفاده از سایر حقوق دفاعی مانند حق سکوت و استفاده از معاضدت وکیل مدافع آغاز می‌شود. قاضی نیز موظف می‌گردد که از آن پس هرگونه پرسش را فقط در ارتباط با موضوع اتهام مطرح کند. در حقوق برخی از کشورها طرح پرسش‌هایی خارج از موضوع اتهام تفهیم شده به متهم منجر به ابطال تحقیقات مقدماتی می‌شود (آشوری، پیشین: ۱۰۴).

در تفهیم اتهام متهم از ماهیت افعال مجرمانه خود در اوضاع و احوال زمان ارتکاب و هم از شواهد و دلایل علیه خود اطلاع حاصل می‌کند. تسریع در تفهیم اتهام بدین جهت دارای اهمیت است که فرد مورد اتهام از

همان ابتدا برای دفاع و با احتمال سوء تفاهم از دستگیری خود آمادگی لازم را پیدا می‌کند. حق تفهیم اتهام در اصل ۳۲ قانون اساسی مورد توجه قرار گرفته و در مواد ۲۴، ۱۲۹ و ۱۹۲ قانون آ.د.ع و انقلاب در امور کیفری مورد تأکید قرار گرفته است. در ماده ۵۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ به حبس و بازداشت غیرقانونی اشاره نموده است لذا اگر فردی بدون تفهیم اتهام و بدون دلیل حبس شده باشد مشمول مجازات این ماده قرار می‌گیرد. در فقه شیعه متقاضی صدور حکم قضاوت تحقیق از متهم و استماع اظهارات وی می‌باشد.

در بند ۳ از ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بیان شده هرکس متهم به ارتکاب جرمی شود باید در اسرع وقت به زبانی که برای او قابل فهم باشد از نوع و علل اتهامی که به او نسبت داده شده مطلع شود (آقایی، ۱۳۶۸: ۲۱۲). تفهیم اتهام باید صریح، روشن و به زبانی بیان شود که برای متهم قابل فهم باشد. اگر متهم بیگانه به زبان فارسی آشنایی نداشته باشد، باید از وجود مترجم کمک گرفت و چنانچه متهم کورال باشد باید به اشخاص خبره متوسل شد. ضمانت اجرای عدم تفهیم اتهام در تحقیقات پلیس از موارد بطلان تحقیقات و این از مفهوم ماده ۲۰۵ ق.آ.د.ع.ا. در امور کیفری قابل برداشت است.

۷۱

ب) ممنوعیت بازجویی ممتد توسط ضابطین جهت حفظ حقوق عمومی متهم

بازجویی‌های ممتد و پی‌درپی که متضمن فشار سنگین روانی بر متهم خواهد نوعی شکنجه روانی محسوب می‌شود که اعمال چنین شیوه‌ای موجب می‌شود فرد دچار تناقض‌گویی شود و نهایتاً دادرسی به ضررش تمام شود. از مفهوم بند ۳ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر منع بازجویی ممتد برداشت می‌شود. در قانون موضوعه ایران در این مورد چیزی بیان نشده ولی از مفهوم اصل ۳۸ قانون اساسی و ماده ۵۷۸ قانون مجازات اسلامی منع بازجویی ممتد قابل برداشت می‌باشد (همان، ۲۱۵).

ج) ممنوعیت اغفال متهم و سوء استفاده از شیوه‌های علمی توسط ضابطین در بازجویی

بازجویی مصاحبه‌ای است که معمولاً توسط افسران پلیس، نیروهای اطلاعاتی و انتظامی همچنین مامورین صلاحیت‌دار قضایی (بازپرس، دادیار و ...)، با هدف تحقیق و کشف حقیقت از سوی متهم، شاهد یا قربانی انجام می‌شود. به عبارت دیگر، بازجویی روشی قضایی با رعایت حقوق دفاعی متهم و تشخیص اتهام درست از نادرست است که توسط مقام قضایی یا امنیتی صورت می‌گیرد.

باتوجه به موقعیت ویژه امر تحقیق از متهم در فرآیند تحقیقات مقدماتی، برحسب اصول دادرسی منصفانه قبل از شروع بازجویی تضمینات دقیقی در حمایت از حقوق دفاعی متهمان در نظام‌های دادرسی کیفری

پیش‌بینی شده است. قاضی تحقیق و یا ضابطان دادگستری به نمایندگی از سوی قاضی تحقیق و یا به مباشرت در جرایم مشهود، مکلف به رعایت تضمینات مزبور هستند (مؤذن‌زادگان (الف)، پیشین: ۴). یکی از این اصولی که باید رعایت شود عدم اغفال متهم می‌باشد که جزء حقوق عمومی هر متهمی می‌باشد.

نقش پلیس بعنوان ضابط در فرآیند محاکمه و پس از آن در راستای حفظ حقوق عمومی

پلیس بعنوان ضابط در فرآیند محاکمه متهم باید موارد زیر را در چارچوب قانون انجام دهد:

۱- اجرای دستورات مقام قضایی

به موجب ماده ۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری موجب ۱۳۷۸ با ورود مقام قضایی به پرونده ضابطین دیگر حق هیچگونه دخالت یا اقدامی را ندارند مگر اینکه از طرف مرجع قضایی مأموریت جدیدی به آنها واگذار کند. ضابطین موظفند اجرای دستورات را در اسرع وقت برابر ماده ۲۰ ق.آ.د.ک به مقام دستور دهنده اعلام نمایند. پس از ارسال پرونده به مرجع قضایی و ثبت پرونده در شعبه ضابطین هیچگونه مسئولیتی در پرونده ندارند. با شروع فرآیند دادرسی در مرجع قضایی تا زمان قطعی شدن حکم چند وظیفه برای ضابطین قابل تصور است که حقوق شهروندی در این وظایف به شرح آتی بررسی می‌شود (انصاری، ۱۳۷۵: ۲۶۰).

۷۲

۲- ابلاغ اوراق قضایی

به موجب بند ۸ ماده ۴ قانون تشکیل نیروی انتظامی مصوب ۶۹ و ماده ۱۵ ق.آ.د.د.ع.ا در امور کیفری ابلاغ اوراق قضایی از وظایف ضابطین است. این ابلاغ شامل، احضاریه، اخطاریه، برگ جلب، اظهارنامه است دادخواست‌ها و احکام صادره در مراجع قضایی نیز تحت شرایطی توسط ضابطین ابلاغ می‌شود. اجرای احکام قضایی نیز توسط ضابطین انجام می‌گیرد که گاه‌ا نیاز به ابلاغ احکام صادره دارد.

۳- حفظ حقوق عمومی متهمین در بدرقه توسط ضابطین پلیس

از دیگر دستوراتی که ممکن است در فرآیند دادرسی از سوی مقامات قضایی خطاب به ضابطین صادر شود بدرقه متهمین است. یکی از مواردی که ممکن است حقوق متهم مورد خدشه قرار گیرد در مرحله جابجایی و انتقال متهمان است. در این جابجایی به منظور جلوگیری از فرار متهم ضابطین سعی در تحت‌الحفظ قرار دادن متهم دارند و گاه‌ا متهم را با دستبند و پابند در یک وضعیت نامناسب جابجا می‌کنند. متهم که مدتی در بازداشتگاه بوده از وضعیت ظاهری نامناسبی برخوردار است این فرد با همان وضعیت و در خیلی از موارد در پشت وانت در انتظار عموم جابجا می‌شود همه این اقدامات موجب هتک حرمت و افشای هویت وی می‌شود.

چه بسا که این فرد در پایان بی‌گناه و تبرئه شود ولی چهره‌ای که پلیس در زمان دستگیری از وی در اذهان عمومی ساخته است به راحتی از ذهن مردم پاک نمی‌شود. امروز رانندگان خودرویی تصادفی خود را بدون پلاک و یا با روپوش جابجا می‌کنند که مبادا پس از تعمیر مردم از تصادف آن خودرو مطلع شوند. پس چگونه ما متهمی را که هنوز جرم وی ثابت نشده و امکان تبرئه وی وجود دارد اینطور بی‌محابا در انظار عموم رسوا می‌کنیم. لذا این اقدام پلیس نقض حقوق شهروندی است و آنجا که دستبند و پابند را در وضعیت نامناسب قرار داده و موجب ایراد صدمه به متهم هم می‌شوند تعرض به جسم وی نیز محسوب و نوعی شکنجه است. لذا حفظ حیثیت و حرمت متهم در حین انتقال و جابجایی از حقوق اساسی متهم است که باید توسط پلیس مورد توجه قرار گیرد (رجبی، ۱۳۸۸).

حقوق عمومی شهروندان در اجرای احکام

اجرای احکام در امور مدنی به موجب ماده ۲۳ قانون اجرای احکام مدنی با دادورز اجرای احکام حقوقی دادگاه‌ها و در امور کیفری مطابق ماده ۲۸۱ ق.آ.د.ک با دادگاه صادر کننده حکم است. ضابطین در اجرای احکام پشتیبان و تحت امر مقام اجرا اقدام می‌نمایند. در ماده ۲۸۴ ق.آ.د.ک کلیه ضابطین دادگستری و نیروهای انتظامی را مکلف کرده است دستورات مقام قضایی را در مقام اجرای احکام اطاعت کنند. تخلف از مقررات این ماده موجب تخلف اداری و انتظامی و تعقیب کیفری است. باتوجه به گونه‌های متفاوت مجازات‌ها عملکرد پلیس نیز در اجرای احکام متفاوت است که در ادامه مواردی از مجازات‌ها که توسط پلیس انجام می‌شود بررسی می‌گردد (قاسم‌پور، پیشین: ۵۵).

۱- تبعید و حقوق عمومی متهم نزد ضابطین قضائی

برابر ماده ۲۹۷ ق.آ.د.د.ع.ا در امور کیفری بیان داشته «اشخاصی که به تبعید محکوم شده‌اند به محل اعزام و مراتب به دادگاه و نیروی انتظامی محل ابلاغ می‌شود که آئین‌نامه اجرایی این ماده در مورخه ۱۳۸۰/۰۶/۱۴ به تصوب هیأت وزیران رسیده است. برابر ماده ۱ آئین‌نامه حکم تبعید پس از ابلاغ به نیروی انتظامی سریعاً اجرا و مسئولیت انتقال تبعیدیان برابر ماده ۲ همان آئین‌نامه با نیروی انتظامی است. به موجب مواد ۴، ۵ و ۸ همان آئین‌نامه ثبت اسامی، نظارت و مراقبت از محکومان با نیروی انتظامی است و در این خصوص با دادگستری، اداره اطلاعات و فرماندار ذیربط هماهنگ هستند. نظارت و مراقبت پلیس به معنای محدودیت برای محکومان نیست بلکه به معنای حفاظت از محکومان است که بتوانند بدون هیچگونه مشکلی تحت حفاظت و مراقبت پلیس مدت محکومیت را سپری کنند. پلیس موظف است مشکلات محکومان در محل

تبعید را با مراجع ذیربط در میان گذاشته و مشکلات آنان را مرتفع سازد. از محکوم در برابر برخورد نامناسب افراد محلی و دیگران حمایت کند و اقدامات غیرقانونی و خودسرانه محکوم را در محل تبعید سرکوب و گزارش نماید. وظیفه اصلی پلیس در دوران تبعید جلوگیری از مجرم شدن مجدد محکوم و تلاش در جهت اصلاح وی و جلوگیری از تأثیر منفی شخصیت محکوم در دیگر افراد بومی است (سلطانی و سادات باریکانی، ۱۳۸۶: ۳۹).

۲- اعدام و حقوق عمومی متهم نزد ضابطین قضائی

به موجب آئین‌نامه اجرایی احکام قصاص، رجم، صلب، اعدام و شلاق موضوع ماده ۲۹۳ ق.آ.د.د.ع.ا، امور کیفری ضابطان به موجب بند (ب) ماده ۷ و ماده ۱۳ همان آئین‌نامه، تأمین امنیت محل اجرای حکم را برعهده دارند. برابر تبصره یک ماده ۷ همان آئین‌نامه، در اجرای دستور دادستان از ورود تماشاچیان و طبقات خاصی در محل اجرای حکم جلوگیری می‌کنند. تأمین امنیت به موجب تبصر ۲ ماده ۷ همان آئین‌نامه به نیروی انتظامی واگذار شده. در تبصره ۲ ماده ۱۰ همان آئین‌نامه این حق برای محکوم ایجاد شده که در صورت تمایل با آب سدر، کافور و آب خالص غسل نماید. برابر موازین شرعی خود را با سه قطعه کفن، تکفین و حنوط نماید. ضابطان برابر تبصره ۳ ماده ۱۰ همان آئین‌نامه در اجرای دستور مرجع قضایی مجری حکم مکتوبات و وصایای محکوم را به مقصد مربوطه ارائه نمایند. برابر ماده همان آئین‌نامه ۱۶ چک کردن ابزار و آلات و ابزار اجرای حکم با ضابطین است لذا ابزار اجرا نباید طوری باشد که موجب زجر و شکنجه محکوم در زمان اجرای حکم شود (همان، ۴۱).

چنانچه محکوم قبل از اجرای حکم تقاضای خوردنی کرد به موجب ماده ۱۲ همان آئین‌نامه باید این خواسته برآورده شود.

عکس برداری و فیلم برداری از صحنه اجرای حکم و تنظیم صورت مجلس برابر ماده ۱۹ و ۲۰ آئین‌نامه مذکور انجام و در صورت نیاز محافظت از جسد تا مهلت مقرر در صلیب برعهده ضابطین است. حفظ کرامت انسان‌ها و حقوق شهروندی آنها این حق را برای آنها ایجاد می‌کند که از زمانی که در مظان اتهام قرار گرفته و دستگیر شده و حکم آنها اجرا و جسد وی در خاک قرار می‌گیرد همواره از طرف پلیس مورد تکریم قرار گرفته و در تمامی این مراحل دارای حقوق مشخصی است که محافظت از این حقوق از تکالیف پلیس است (مودن- زادگان(ب)، ۱۳۸۹: ۷۴). انسان صرف‌نظر از رفتاری که مرتکب شده به خاطر انسان بودنش دارای حقوق بنیادین است که حتی پس از مرگ آنها نیز توهین به مرده دارای مجازات می‌باشد. و پلیس حق ندارد در هیچ مرحله از فرآیند دادرسی متهم را به خاطر متهم بودنش مورد تحقیر قرار داده و شرایط برای نقض حقوق وی را فراهم کند (کشاوری، ۱۳۸۵: ۸۷).

نتیجه‌گیری

با امعان نظر به نقش ضابطان دادگستری بعنوان ارگان اجرایی دستگاه قضا، استفاده از ضابطان قضایی کارآزموده در مراحل مختلف دادرسی و رعایت حقوق عمومی متهم در راستای تأمین اصل ۳۲ قانون اساسی، انتخاب و بررسی موضوعی مرتبط با ضابطان دادگستری در فرایند دادرسی جزایی گامی شایسته در جهت اجرای هرچه توانمندتر قوانین خواهد بود. با مطالعه وظایف ضابطان دادگستری مشخص گردید که نقش فعلی ضابطان دادگستری همگام با قوانین موجود پاسخگوی نیازهای جامعه نیست. وجود پلیسی توانمند و کارآمد و آموزش دیده که تحت امر مستقیم مقامات صالح قضایی به ایفای وظایف بپردازد تحت عنوان «پلیس قضایی» هم چنانکه در بسیاری از کشورها تشکیلات قضایی از معاضدت آنها بهره می‌برند امر ضروری است زیرا باتوجه به رسالت اصلی دستگاه قضایی کارآمد که بعنوان بدنه اصلی دستگاه قضایی در جریان پرونده حضوری مستمر و دائمی دارند و به ویژه تحقیقات مقدماتی و بازجویی از متهم که اساس شکل‌گیری یک پرونده کیفری است بنابه نص قانون (مواد ۱۸ و ۱۹ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری) در بدو امر می‌تواند با کوچکترین اشتباه در عدم جمع‌آوری درست اطلاعات و یا اشتباه در عنوان جزایی جرم به دلیل فقدان آموزشی کافی و دانش آکادمیک مربوطه منجر به اطاله سیر رسیدگی به پرونده‌های مطروحه در دادگاه‌ها گردند که در عمل نیز امروزه مراجعین شاهد این معضل بزرگ در روند دادرسی هستند. ۷۵

بدین ترتیب عدم وجود پلیس قضایی به معنای اخص که به صورت مجزا زیر نظر قوه قضائیه به اعمال وظایف اقدام نماید و عدم تفکیک ضابطان دادگستری از مأمورین اداری نیروی انتظامی از چالش‌های اساسی پیش‌روی قوه قضائیه محسوب می‌گردد. لذا وجود ضابط تحت امر کامل قوه قضائیه در سیستم قضایی کشور ضرورت دارد. فقدان آموزه‌های حقوقی لازم و سیر صعودی توانمندی‌های علمی و به موازات آن تخصصی شدن نحوه ارتکاب جرایم و عملکرد براساس متد منسوخ شده سبب قهقرایی دستگاه قضا در اجرای عدالت خواهد بود. نارسایی مقررات حاکم بر ضابطین و گاه تعارض و خلاء قانونی نظیر مدیریت دوگانه قضایی و انتظامی، تعدد محاکم رسیدگی کننده به جرایم ضابطان، مبهم بودن وضعیت ضابطین وزارت اطلاعات و تبعیض ناروا در برخورد با ارتکاب جرم توسط رده‌های بالای نظامی و انتظامی برخلاف اصل بیستم قانون اساسی و تساوی عموم در برابر قانون از مسائلی است که مظهر دادخواهی قانون مداری دستگاه قضا و تشکیلات وابسته به آن را خدشه‌دار می‌نماید. بنابراین می‌توان گفت که تمامی ضابطین چه ضابطین عام و چه ضابطین خاص نقش مهم و عمده‌ای را در حفظ حقوق عمومی و شهروندی متهمین برعهده دارند.

فهرست منابع

- ۱- آشوری، محمد (۱۳۷۹)، **آئین دادرسی کیفری**، ج ۲، تهران: انتشارات سمت.
- ۲- آقای، بهمن (۱۳۶۸)، **فرهنگ حقوق بشر**، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- ۳- احمدی، احمد (۱۳۸۷)، «نقض حریم خصوصی و چالش فراروی پیشگیری وضعی از وقوع جرم»، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم دفتر تحقیقات کاربردی پلیس پیشگیری ناجا**، ش ۶.
- ۴- انصاری، ولی‌اله (۱۳۷۵)، **حقوق تحقیقات جنایی**، ج ۲، تهران: انتشارات دانشگاه ملی.
- ۵- ترابی، غلامرضا (۱۳۷۲)، **آئین دادرسی کیفری**، تهران: انتشارات گنج دانش.
- ۶- رجبی، ابراهیم (۱۳۸۸)، **پلیس و حقوق شهروندی**، تهران: نشر علوم سیاسی معاونت حقوقی و امور مجلسی ناجا.
- ۷- رحمدل، منصور (۱۳۸۴)، «حق انسانی بر حریم خصوصی»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، ش ۷۰.
- ۸- سالواتور، زاپالا (۱۳۸۷)، **حقوق بشر در محاکمات کیفری بین‌المللی**، مترجم: حسین آقای جنت‌مکان، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.
- ۹- سلطانی، شهرام و سادات باریکانی، امیررضا (۱۳۸۶)، **نکاتی که لازم است ضابطین دادگستری بدانند**، تهران: انتشارات خرسندی.
- ۱۰- شجاع شفیعی، محمدمهدی (۱۳۷۹)، «نقش و وظایف ضابطین در حقوق کیفری ایران»، **دانشکده حقوق دانشگاه آزاد اسلامی**.
- ۱۱- فرمپینی فراهانی، سید جواد (۱۳۸۸)، «جایگاه اصل حاکمیت قانون در ارتباط با تضمین حقوق شهروندی توسط پلیس»، **فصلنامه علمی-ترویجی بازرسی کل ناجا**، ش ۱۰.
- ۱۲- قاسم‌پور، ابوالقاسم (۱۳۸۱)، **ضابطین قوه قضاییه و وظایف آنها در قانون**، تهران: انتشارات افق امید.
- ۱۳- کشاورز، زهرا (۱۳۸۵)، «مطالعه تطبیقی جایگاه حقوق متهم در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی»، **پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق جزاء جرم‌شناسی**، دانشگاه آزاد اسلامی خرم‌آباد.
- ۱۴- گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۵)، **حقوق جزای عمومی ایران**، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵- مهاجری، علی (۱۳۸۱)، **آئین رسیدگی در دادسرا**، تهران: انتشارات نشر فکرسازان.
- ۱۶- مودن‌زادگان(الف)، حسنعلی (بی‌تا)، «حق دفاع متهم در قانون آئین دادرسی کیفری مطالعه تطبیقی آن»، **رساله دکتری دانشگاه تربیت مدرس**.
- ۱۷- مودن‌زادگان(ب)، حسنعلی (۱۳۸۹)، «تضمینات حقوق دفاعی متهمان و امر بازجویی در مرحله تحقیقات مقدماتی»، **فصلنامه پژوهش**.
- ۱۸- موسوی مقدم، محمد (۱۳۸۵)، «کشف جرم»، **مجله پیام آموزش**، ش ۲۴.

- ۱۹- میرزایی (الف)، اسداله (۱۳۸۴)، «حمایت از بزه‌دیده و شهود در برابر تهدید در فرآیند دادرسی»، نشریه مطبوعات انتشارات اداره کل اجتماعی و فرهنگی قوه قضاییه تهران.
- ۲۰- هدایتی، محمدعلی (۱۳۴۲)، آئین دادرسی کیفری، چ ۳، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی